

ادراک دانش‌آموزان فارغ‌التحصیل سوم متوسطه نظری از مهدویت:

پژوهشی پدیدارشناسانه

یوسف ادیب*
اسکندر فتحی آذر**
اصغر ابراهیمی هرستانی***

چکیده

هدف این پژوهش شناسایی و توصیف ادراک دانش‌آموزان از مهدویت است. به این منظور، از روش پدیدارشناسی که کانون توجه خود را بر تجارب زیسته و ادراک بشر قرار می‌دهد، استفاده شد و مصاحبه نیمه ساختاریافته با دانش‌آموزان شهرستان کاشمر که فارغ‌التحصیل سوم دبیرستان در سال ۱۳۹۲ بودند، انجام شد. پس از اشباع داده‌ها، تعداد دانش‌آموزان به بیست نفر رسید. با استفاده از روش اسمیت، تجزیه و تحلیل داده‌ها انجام شد و براساس آن، ۵ مضمون (تم) اصلی استخراج گردید که عبارت‌اند از: باور به امام زمان (عج)، معرفت به امام زمان (عج)، علت غیبت، فلسفه ظهور، و انتظار ظهور. همه دانش‌آموزان وجود امام زمان (عج) را قبول دارند و علاقه‌مند به ظهور و یاری حضرت هستند؛ صرفاً از اطلاعات مربوط به شناخت ظاهری و کلی برخوردار هستند و آگاهی‌های مورد نیاز را دریافت نکرده‌اند؛ به مواردی هم که آگاهی دارند، در عرصه عمل، توجه لازم را نمی‌کنند و از لحاظ رفتاری ضعیف هستند. دانش‌آموزان خود را منتظر حقیقی نمی‌دانند و معرفت لازم به امام زمان (عج) را ندارند.

واژگان کلیدی: پدیدارشناسی، مهدویت، ادراک دانش‌آموزان

* دانشیار برنامه‌ریزی درسی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه تبریز
** استاد دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه تبریز
*** دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی دانشگاه تبریز (نویسنده مسئول)
تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۱/۱۳ تاریخ تأیید: ۱۳۹۳/۴/۳۱

مقدمه

اعتقاد به ظهور منجی از باورهای مشترک در اندیشه بشری است و تقریباً هیچ قوم و مردمی را نمی‌یابیم که به نوعی، باور به ظهور منجی نداشته باشند. اعتقاد به ظهور منجی موعود اختصاص به ادیان الهی ندارد؛ بلکه همه ادیان و ملل به نحوی، معتقد به ظهور منجی هستند و در انتظار مصلح و منجی به سر می‌برند. از مباحث و اموری که همه مسلمانان به پیروی از کلام خدا و حدیث پیامبر اسلام (ص) بر آن اجماع دارند، این است که پیش از برپایی قیامت، یکی از فرزندان رسول خاتم (ص) قیام می‌کند و بر تمام زمین فرمانروا می‌شود و زمین را که از ظلم و جور پر گشته، آکنده از عدالت خواهد کرد (قندوزی حنفی، ۱۳۷۹، ج ۶، ص ۴۹۴) و نزول حضرت عیسی (ع) و اقتدای ایشان به حضرت مهدی (عج) در نماز امری قطعی در فرقه‌های اسلامی است (مقدسی شافعی، ۱۴۱۶ق، ص ۲۹۲؛ عسقلانی، ۱۳۷۹، ج ۶، ص ۴۹۴ به نقل از نجارزادگان، شاهمرادی، ۱۳۹۰).

در فرقه‌های اهل سنت احادیث رسیده در باب حضرت مهدی (عج) بیشتر از پنجاه حدیث و صدها اثر است (فرمانیان، ۱۳۸۶، ص ۱۹۱ به نقل از: ابن حجر بوطامی البعلعی، ۱۴۱۵ق). ابن ماجه در سنن، ابوداود در سنن، ترمذی در الجامع الصحیح، احمد بن حنبل در مسند، عبدالرزاق صنعانی در مصنف، ابن ابی شیبیه در مصنف، طبرانی در المعجم الکبیر و المعجم الوسیط، ابن حبان در الصحیح و دیگران، احادیث مربوط به حضرت مهدی (عج) را در کتب خویش آورده‌اند (فرمانیان، ۱۳۸۶، ص ۱۹۱). با وجود این منابع، انکار مهدویت برای هیچ فرقه‌ای آسان نبوده و نیست.

یکی از مهم‌ترین شرایط ظهور آن است که مردم به حقیقت امام زمان (عج) پی ببرند تا بتوانند به درستی به ایشان اقتدا کنند. معرفت به امام زمان (عج) در اسلام، جایگاه بسیار والایی دارد؛ به گونه‌ای که حضرت رسول خدا (ص) فرمودند: اگر کسی از دنیا برود، در حالی که امام خود را نشناخته باشد، به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است، آن هم جاهلیت کفر و نفاق و گمراهی (کلینی، بی تا، ج ۲، ص ۲۰۹)؛ بنابراین، اگر حجت خدا شناخته نشود، باعث گمراهی در دین می‌شود.

در اصول دین اولین اصل، توحید است و براساس قرآن و فرامین ائمه هدی (ع)، راه رسیدن به خداوند و اعتقاد به توحید از طریق ائمه اطهار (ع) و دینداری تنها از این طریق است. در همین رابطه، حضرت امام هادی (ع) در زیارت جامعه کبیره می‌فرمایند: «هر کس اراده خدا کرد، از شما شروع کرد و هر کس به توحیدش رسید، از جانب شما رسید و هر کس قصد خدا کرد، توجه‌اش شما بودید» (قمی، ۱۳۷۸، ص ۹۷۵)، حضرت در ادامه می‌فرمایند: و «کسی که شما را دوست بدارد، پس حقیقتاً خدا را دوست داشته است...» (همان، ص ۹۷۸).

بنابراین، راه رسیدن به خداوند در بستر مودت اهل بیت (ع) است و به واسطه این مودت فروع

دین مورد پذیرش خداوند قرار می‌گیرد؛ چنان‌که حضرت امام هادی(ع) در زیارت جامعه کبیره می‌فرماید: «و به واسطه مودت شما (اهل بیت(ع)) طاعات و فرائض مورد قبول خداوند قرار می‌گیرد و مودت شما واجب شده است» (همان، ص ۹۷۷).

معرفت به خدا از طریق کسب معرفت به ائمه(ع) است و هدایت و راه سعادت منوط به شناخت آنان. پس اگر انسان حضرت مهدی(عج) را که حجت خداوند است نشناسد، خدا را نخواهد شناخت. در همین زمینه حضرت امام محمدباقر(ع) فرموده‌اند: «به وسیله ما خدا پرستش شد و به وسیله ما خدا شناخته شد و به وسیله ما خدای تبارک و تعالی را یگانه شناختند و محمد پرده‌دار خدای تبارک و تعالی است (تا واسطه میان او و مخلوقش باشد)» (کلینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۹۹). بنابراین، برای عبادت خداوند، معرفت و مؤدت به چهارده معصوم(ع) و به ویژه در زمان حال، معرفت و مودت به حضرت مهدی(عج) واجب است و لازمه عمل به این موارد، منتظر حقیقی ظهور بودن است.

در دنیای امروز، نهاد تعلیم و تربیت نقش اساسی و همه‌جانبه در توسعه جوامع ایفا می‌کند. این نهاد، وسیله مهمی برای برقراری ارتباط با نسل جوان از طریق مدارس است. مدارس از طریق این ارتباط تلاش می‌کنند آرمان‌ها، انتظارات، باورها، امیدها و افکار مورد نظر جامعه را به نسل نو منتقل سازند (مرزوقی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۸).

در هر کشور، نظام آموزش و پرورش براساس آرمان‌ها و باورهای خود به تربیت دینی دانش‌آموزان می‌پردازد. در آمریکا حدود ۹۰٪ از همه مدارس ابتدایی و متوسطه خصوصی و مستقل، مدارس کاتولیک است که هدف آرمانی آنها تشویق و هدایت جوانان به کلیسای کاتولیک و از طریق کلیسا به تعالیم حضرت عیسی(ع) است (مهرمحمدی، ۱۳۹۰، ص ۱۱۳) و مدارس انجیلی در آمریکا بر پایه این تحلیل که واقعه آرمادگدون تنها حادثه‌ای است که بازگشت دوباره مسیح را به زمین ممکن می‌سازد، به تبلیغ این دیدگاه می‌پردازند (شیرودی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۳). مدرسه شیعه اثنی عشری مستقر در لندن (SIM)، برای دانش‌آموزان از سن ۴ تا ۱۶ سالگی (پیش‌دبستانی تا دبیرستان) چهار موضوع اخلاق، فقه، تاریخ و قرآن ارائه می‌دهد و رویکرد آن، تربیت زمینه‌ساز ظهور است و این چهار موضوع را بر محور امام زمان(عج) ارائه می‌دهد و به صورت برنامه درسی تلفیقی، در این چهار موضوع به پرورش دانش‌آموزان منتظر ظهور می‌پردازد. در برنامه درسی این مدرسه اسلامی مواردی همچون احترام به حضرت و چگونگی انجام احترام در هنگام یاد از حضرت، باور به امام زمان، حاضر و ناظر بودن امام و چگونگی بهره‌گیری از امام، فلسفه ظهور، آمادگی برای ظهور، تجدید عهد با امام در هر روز، و وظایف منتظران در همه دروس ارائه می‌شود (لیمبا^۱، ۲۰۱۳، ص ۱۸).

لازمه آمادگی جامعه برای ظهور، تربیت مهدوی است. تربیت مهدوی مجموعه تدابیر و اقدامات سنجیده و منظم فرهنگی برای پرورش و تقویت ایمان و باورهای مهدوی در فراگیران است. تبیین و ترویج فرهنگ مهدوی به عنوان رسالت نظام تعلیم و تربیت، اهمیت و ضرورت دارد (صمدی، ۱۳۸۵، ص ۵۹).

با توجه به جایگاه امامت در نظام تربیتی اسلام، بحث مهدویت از مباحث اساسی در تقویت ارزش‌های معنوی است که در سند برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران به اهمیت تربیت مهدوی دانش‌آموزان اشاراتی شده است (سند برنامه درسی ملی، ۱۳۹۱، ص ۷، ۸، ۴۲، ۴۴، ۵۸). پرورش روحیه انتظار کارکردهای تربیتی فراوان و مهمی برای فرد و جامعه دارد که یکی از آنها پیشگیری از ناهنجاری‌های اجتماعی و فردی است. محبت حضرت ولی عصر (عج) یکی از عوامل مهم ترک اعمال ناشایست است؛ زیرا محبت به حضرت باعث می‌شود که انسان از اعمالی که این محبت را از بین می‌برد، پرهیز نماید و هماهنگ با خواسته محبوب خود عمل کند (بیاری و چراغی، ۱۳۸۵، ص ۱۳۹).

نیروسازی و تربیت منتظران کارآمد و مسئول، محوری‌ترین عامل در زمینه‌سازی ظهور است. کسانی می‌توانند در نهضت مهدوی حضور و مشارکت صحیح داشته باشند که از تعلیم و تربیت متناسب برخوردار باشند و بر اثر بلوغ و رشد فکری و روحی، توان شرکت در جامعه‌سازی داشته باشند تا زمینه برای اصلاح جامعه و تحقق عدالت جهانی فراهم شود. با توجه به مطالب فوق که بیانگر اهمیت و نقش تربیتی ایمان به مهدویت است، آنچه مهم به نظر می‌رسد بررسی تجربیات و ادراک دانش‌آموزان در خصوص مهدویت است؟

روش‌شناسی

در رویارویی با واقعیت‌های پیچیده و چند لایه معنوی و کشف معانی نهفته و پی بردن به کنه واقعیت، اتخاذ روش پدیدارشناسی^۱ ضروری است (یوسفی و تابعی، ۱۳۹۱، ص ۹۱). پدیدارشناسی ما را از انتزاعات نظری به واقعیت تجارب زیسته مدرسه و برنامه درسی هدایت می‌کند (ون منن، ۱۹۸۲، ص ۲۹۳) و هدف اصلی آن آشکار ساختن معانی پنهان برنامه درسی اجرا شده در نظام‌های ارزشی مختلف است (اسنیوما، ۱۹۸۶، ص ۲۷)^۲ که به شناخت وضعیت حال زندگی کودکان و درک از واقعیت تجربه زیسته در دنیای مدرسه و برنامه درسی کمک می‌کند (ون منن، ۱۹۸۲، ص ۱۰۳) و ما را به توصیف پدیده‌های تعلیم و تربیت، به نحوی که دست‌اندرکاران آن، همچون والدین، معلمان، تأمین‌کنندگان مالی و دانش‌آموزان، آنها را درک

1. Phenomenology

2. Asanuma

می‌کنند، فرا می‌خواند (باقری و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۲۸۷). در پدیدارشناسی، پژوهشگر علاقه‌مند به فهم پدیده‌های اجتماعی و روان‌شناسی از دیدگاه مصاحبه‌شونده‌ها است (ولمن و کرگر^۱، ۱۹۹۹، به نقل از: گرینیولد^۲، ۲۰۰۴، ص ۲) و پژوهشگر به عنوان بخشی از مطالعه محسوب می‌شود و به بطن موقعیت‌های واقعی در زندگی افراد توجه می‌کند (بنگسون^۳ به نقل از: لندل، ۲۰۱۰، ص ۱۰). در این پژوهش با استفاده از روش پدیدارشناسی به بررسی تجارب زیسته دانش‌آموزان از مهدویت پرداخته شده و از مصاحبه که بهترین روش برای ورود به دنیای تجربیات انسان‌ها است (ون منن، ۲۰۰۶، ص ۱۲۴) استفاده شده است. در این روش، به عقیده واندرمش^۴ (۲۰۰۴) دسترسی به تجارب زیسته مشارکت‌کنندگان، به طور عمده از طریق استفاده از مصاحبه نیمه ساختار یافته حاصل می‌شود. بر این اساس، مصاحبه با پژوهیده‌ها با استفاده از روش مصاحبه نیمه ساختار یافته صورت گرفت.

با توجه به اینکه بیشترین میزان توجه به مهدویت در کتاب‌های درسی، در کتاب‌های درسی سوم دبیرستان رشته ادبیات و علوم انسانی است (ادیب و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۱۳۹)، در این پژوهش، دانش‌آموزانی از شهرستان کاشمر که فارغ‌التحصیل سوم دبیرستان در رشته ادبیات و علوم انسانی در سال ۱۳۹۲ بودند، مورد پژوهش قرار گرفتند و با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند از نوع حاشیه‌ای، دانش‌آموزانی که از لحاظ مذهبی و علمی در سطح پایینی بودند، انتخاب شدند. نحوه تشخیص دانش‌آموزانی که در سطح بالایی هستند از طریق مراجعه به انجمن‌های قرآنی آموزش و پرورش و مساجد و با پرسش از وضعیت علمی افراد بود. در انتخاب دانش‌آموزان سطح پایین نیز با مراجعه به پارک‌ها و با توجه به وضعیت ظاهر و پرسش از وضعیت علمی افراد، آنهایی که در سطح پایینی بودند، انتخاب شدند. پس از اشباع داده‌ها، تعداد شرکت‌کنندگان به بیست نفر رسید. مدت مصاحبه‌ها بین ۴۰ تا ۵۰ دقیقه و تعداد جلسات برای هر نفر دو جلسه بود.

مصاحبه‌کننده قبل از شروع مصاحبه با مطالعه در این زمینه، بر ادبیات موضوع تسلط پیدا کرد و تعدادی سؤال قبل از مصاحبه تعیین و دیگر آمادگی‌های لازم کسب گردید، سپس دو مصاحبه آزمایشی انجام شد. قبل از شروع مصاحبه، به منظور رعایت ملاحظات اخلاقی، رضایت آگاهانه مصاحبه‌شونده‌ها کسب گردید و محرمانه ماندن مشخصات آنها مورد تأکید قرار گرفت و با بیان اینکه هدف مصاحبه، سنجش اطلاعات نیست و این پژوهش هیچ‌گونه ارتباطی به آموزش و پرورش و دیگر سازمان‌های دولتی ندارد و تنها یک گفتگوی دوستانه است، اعتماد مصاحبه‌شونده

-
1. Welman and Kruger
 2. Groenewald
 3. Bengtsson
 4. Vander Mescht

جلب شد تا بتوانند آزادانه و صادقانه، ادراک خود را بیان نمایند و درنهایت، آمادگی لازم برای شروع جلسات مصاحبه در یک ارتباط دوستانه حاصل می‌گردید.

همزمان با گردآوری داده‌ها، تجزیه و تحلیل داده‌ها و استخراج تم‌ها انجام شد. چنانچه لپ‌ونگ^۱ (۲۰۰۸) اذعان داشته است، فرایند تحلیل داده‌های کیفی شامل کدگذاری و طبقه‌بندی داده‌ها است و مهم‌ترین مرحله از تحلیل داده‌های کیفی به شمار می‌رود. پس از اولین مصاحبه، داده‌های پژوهش با استفاده از روش اسمیت^۲ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت؛ بدین صورت که پس از گردآوری داده‌ها، هر مصاحبه به صورت مجزا و چندین بار مرور شد تا متن کامل مصاحبه‌ها عیناً نوشته شود. پس از پیاده‌سازی کامل مصاحبه‌ها بر روی کاغذ، کلیه مصاحبه‌ها به صورت خط به خط کدگذاری و کدهای اساسی شناسایی شد. پس از کدگذاری، تم‌هایی که مشخص‌کننده هر یک از بخش‌های متن بود، تعیین و یک برچسب یا عنوان به آن تعلق گرفت. در مرحله بعد، عناوین مشترک در یک خوشه اصلی دسته‌بندی شد تا به تجزیه و تحلیل داده‌ها و به تم‌های استخراج شده، سازمان داده شود. در مرحله بعد، یک جدول خلاصه‌سازی از تم‌های سازماندهی شده تهیه شد. نقل‌قول‌هایی که نشانگر هر یک از تم‌ها بودند و نیز سایر نقل‌قول‌ها از متن مصاحبه استخراج و در جدول جاگذاری شدند. جهت تلفیق داده‌ها با یکدیگر یک جدول خلاصه‌سازی برای اولین شرکت‌کننده تهیه و در تجزیه و تحلیل موردهای بعدی از آن استفاده شد. در این فرآیند، تم‌های جدید به جدول اولیه اضافه شدند. در نتیجه تم‌ها به صورت پیش‌رونده و در طول زمان تلفیق شد و این کار با تجزیه و تحلیل آخرین دست‌نوشته به پایان رسید (ادیب حاج‌باقری و دیگران، ۱۳۸۶، ص ۹۹-۹۸). جمع‌آوری داده‌ها زمانی به پایان رسید که مشخص شد، داده‌های جمع‌آوری شده تکرار داده‌های قبلی است و اطلاعات جدیدی حاصل نمی‌گردد.

گابا و لینکلن^۳ برای پژوهش کیفی معیارهای اعتبار^۴ را معادل روایی درونی^۵؛ انتقال^۶ را معادل روایی بیرونی^۷؛ اعتماد^۸ را معادل پایایی^۹ و تأیید^{۱۰} را معادل عینیت^{۱۱} در پژوهش‌های کمی می‌دانند (نوری و مهرمحمدی، ۱۳۹۰، ص ۳۰-۲۳). در ادامه ضمن بررسی هر یک از این

1. LP Wong
2. Mescht
3. Guba & Lincoln
4. Credibility
5. Internal validity
6. Transferability
7. External validity
8. Dependability
9. Reliability
10. Confirmability
11. Objectivity

معیارها، اقداماتی که در این پژوهش در این راستا انجام شده است، ارائه می‌گردد:

الف. اعتبار: در پژوهش کیفی، اعتبار معادل روایی درونی در پژوهش کمی است. در پژوهش کیفی، بر مبنای معیار اعتبار به این امر پرداخته می‌شود که آیا بین شیوه ادراک واقعی شرکت‌کنندگان در پژوهش و گزارش پژوهشگر همخوانی وجود دارد؟ در این راستا پس از کدگذاری داده‌ها، تم‌های استخراج شده به مصاحبه شونده‌ها عرضه و صحت مطالب تأیید شد. در پژوهش کیفی اصولاً هدف از بررسی روایی، دقت و استحکام آن است به گونه‌ای که اطمینان حاصل شود که پژوهش دقیقاً بیانگر تجربیات شرکت‌کنندگان است (استرابت و کارپنتر، ۱۹۹۹، نقل شده در ادیب حاج‌باقری و دیگران، ۱۳۸۶، ص ۵۶).

ب. انتقال: در پژوهش کیفی، انتقال معادل روایی بیرونی در پژوهش کمی است. در پژوهش کیفی، انتقال به معنای آن است که بین گزارش پژوهش و بافتی که مطالعه در آن صورت گرفته چه میزان شباهت وجود دارد. به این منظور با بررسی موردهای چندگانه این معیار بررسی و از شرکت‌کنندگان متعلق به مدارس متفاوت استفاده شد. همچنین در شهرستان خمینی شهر که بافت مذهبی آن همانند شهرستان کاشمر است و هر دو از شهرهای مشهور مذهبی کشور محسوب می‌شوند، با شش نفر از دانش‌آموزان که مقطع سوم دبیرستان را در سال ۱۳۹۲ در رشته ادبیات و علوم انسانی به پایان رسانده بودند، مصاحبه گردید و پس از اینکه مشخص شد اطلاعات جدیدی از مصاحبه‌ها به دست نمی‌آید، جمع‌آوری داده‌ها به پایان رسید. با تحلیل داده‌ها مشخص شد که کدهای به دست آمده از هر دو شهرستان همدیگر را تأیید می‌کنند و تفاوتی بین اطلاعات حاصل شده از دانش‌آموزان این دو شهرستان مشاهده نگردید.

ج. اعتماد: در پژوهش کیفی، اعتماد معادل پایایی در پژوهش کمی است. در پژوهش کیفی انتظار تغییر امری پذیرفته شده است، اما باید ردیابی و بازنگری شود. از این‌رو، در پژوهش کیفی اعتماد به معنای اطمینان حاصل کردن از ثبات نسبی فرایند دستیابی به نتایج است، نه ثبات نتایج به دست آمده در طول زمان و مکان.

به این منظور فرایند گردآوری و تحلیل داده‌ها به طور دقیق توصیف و بعد از کدگذاری داده‌ها، مجدداً به متن مصاحبه‌ها مراجعه و کدگذاری تحت نظر اساتید انجام و با کدگذاری اولیه مقایسه شد و کدها مورد تأیید قرار گرفت.

د. تأیید: در پژوهش کیفی، تأیید معادل عینیت در پژوهش کمی است. در پژوهش کیفی تأیید به این معناست که داده‌ها و تفسیر آنها ساخته تخیلات شخصی پژوهشگر نباشند، بلکه داده‌های به دست آمده منطبق با منابع و منطق تفسیر آنها روشن باشد. به این منظور در این پژوهش سعی شد که پژوهشگران پیش‌فرض‌های خود را در روند جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل آنها دخالت ندهند.

هـ اصالت: اصالت به معنای اراده و بازنمایی منصفانه و بی طرفانه همه دیدگاه‌ها، ارزش‌ها و ایده‌ها و انعکاس آنها بدون غرض‌ورزی است. در این مورد، همچنان‌که در بالا بیان شد، همه مراحل پژوهش به دقت انجام و از کدگذار دوم هم استفاده شد و توافق بسیار زیادی میان کدهای هر دو کدگذار مشاهده شد.

یافته‌ها

پس از تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده، تجارب شرکت‌کنندگان در ۵ مضمون (تم) اصلی و ۱۲ مضمون (تم) فرعی استخراج گردید که بیانگر تجربه و ادراک دانش‌آموزان از پدیده مهدویت است.

۱. باور به امام زمان (عج)

تجارب دانش‌آموزان حاکی از اعتقاد به وجود امام زمان (عج) است که در ۴ مضمون فرعی متبلور گردید.

۱-۱. حضور امام

همه دانش‌آموزان اذعان داشتند که امام زمان (عج) در همه‌جا حاضر است و وجودشان مانند خورشید پشت ابر، در پس پرده غیبت به سر می‌برند؛ ما امام را نمی‌بینیم ولی امام ما را می‌بینند و در همین جامعه زندگی می‌کنند.

نمونه‌ای از اظهارات دانش‌آموزان به شرح زیر است:

«امام زمان در همه‌جا حاضر است. در برنامه سمت خدا دیدم که آقای حیدری کاشانی گفت عالم محضر خداست و خلیفه خدا دارد روی زمین حکومت می‌کند و من همیشه خودم را در مقابل محضر امام می‌دانم».

«امام در جامعه حضور دارند ولی کسی امام را نمی‌شناسد و امام ما را می‌بیند ولی ما امام را نمی‌بینیم».

«امام زمان در همه‌جا حضور دارند و مثل خورشید پشت ابر هستند».

۱-۲. ناظر بودن امام

این باور که امام زمان (عج) بر همه اعمال نظارت دارند، در صحبت‌های همه دانش‌آموزان وجود داشت؛ اما تأثیر این باور در اعمال آنها، به گونه‌ای که با یاد نظارت حضرت از انجام خطا و گناه منصرف شده باشند، کم بوده است و حتی دانش‌آموزانی هم که از لحاظ مذهبی - علمی در

سطح بالایی بودند اذعان داشتند که در امورات زندگی خود بر نظارت امام بر اعمال کمتر توجه می‌کنند. در همین مورد بیان نمودند که:

«تا جایی که یادم باشد در اعمال، یاد امام هستم ولی کم است؛ بیشتر در مشکلات و حاجت خواستن یاد حضرت می‌کنم»

«خیلی کم امام را بر خود ناظر می‌دانم و در انجام کارها به این فکر نمی‌کنم؛ باید این جور باشد، ولی نیست»

«قبل گناه نشده که بگم امام می‌بیند، ولی بعد گناه شده که یاد امام بیفتم اما همان لحظه نشده»

۳-۱. آرزوی یاری و شهادت

هر دو گروه دانش‌آموزان، آرزوی یاری امام در هنگام ظهور را داشتند و بیشتر دانش‌آموزان آرزوی اینکه، از افرادی باشند که همراه امام قیام می‌کنند و برای امام شهید شوند را داشتند. در این مورد اظهار داشتند:

«دوست دارم ظهور کنند و نوکریشان را بکنم و در مبارزه بهشون کمک کنم»

«آرزو دارم از اون افرادی باشم که براشون قیام می‌کنند و شهید شوم»

«آرزو دارم یار امام زمان باشم»

۴-۱. علاقه به ظهور

تمامی دانش‌آموزان به ظهور علاقه دارند و دوست دارند که امام ظهور کند. حتی دانش‌آموزانی هم که خود را مذهبی نمی‌دانستند، اظهار علاقه به ظهور می‌نمودند.

«ظهور را دوست دارم ولی کارهایم مانند منتظر نیست»

«اگر ظهور بخواهد از ما رد شود خیلی ناراحتم»

«دوست دارم زودتر ظهور کنند»

۲. معرفت به امام زمان (عج)

خوشه تجربیات دانش‌آموزان در زمینه معرفت به امام زمان (عج) در دو مضمون فرعی ارائه شد.

۱-۲. شناخت سطحی

اکثر دانش‌آموزان توانایی اثبات امام زمان (عج) را ندارند و به صورت تقلیدی معتقد هستند. مصاحبه‌شونده‌ها، حتی آنهایی که از لحاظ مذهبی-علمی در سطح بالایی بودند، نیز اذعان داشتند

که معرفت به امام زمان ندارند و بیشتر اطلاعات شناسنامه‌ای دارند. در ادامه جملاتی از مصاحبه‌شونده‌ها ارائه می‌شود.

«همه مراجع قبول دارند و من هم قبول دارم»

«متأسفانه شناخت به امام زمان ندارم».

«به امام زمان نمی‌خواهیم بگوییم تاریخ تولد شما کی است؛ اینجا غیب شدید؛ در این شهر بودید و... اینها را که نمی‌خواهیم به امام زمان تحویل دهیم. کتاب‌ها باید بر ما تأثیر بگذارد و دانش‌آموز را آشنا کند».

«حقیقتاً به جایگاه امام و نقش امام در هدایت انسان‌ها و... خیلی بی‌توجه بوده‌ام؛ فقط زمانی فکر می‌کردم و از این بحث‌ها برایم مطرح بوده که مثلاً امام ولایت عملی دارد؛ فقط مواقعی بوده که می‌خواستیم در این مورد حرف بزنم».

۲-۲. گرایش به شناخت

در دانش‌آموزان گرایش به تلاش برای شناخت امام (عج) وجود دارد. دانش‌آموزان با انتقاد از اقدامات آموزش و پرورش در موضوع مهدویت و بیان نیازهای آموزشی خود در این زمینه، به این مطلب که بیانگر گرایش همه دانش‌آموزان به شناخت از امام زمان (عج) است، اذعان داشتند که چند نمونه از آنها ارائه می‌شود.

«دوست دارم که تلاش کنم تا امام زمان را بشناسم».

«آموزش و پرورش با حالات روحی نوجوان با امام زمان، نمی‌گوید؛ حتی معلم پرورشی به همان صورتی که در مورد نظم و قانون در مدرسه می‌گوید در مورد امام زمان هم به همان لحن می‌گوید؛ به گونه‌ای نیست که ارتباط روحی برقرار شود».

«مطالب کتاب‌ها تکراری است و در حد اطلاعات من بود، چیزی فراتر نداشت، روی روحيات و اخلاقیات ما تأثیر ندارد و در حد خواندن و امتحان هستند. اینطور نبوده که عشق ایجاد کند و ارتباط برقرار شود. با جغرافیای کشور ایران آشنا می‌شویم، دو کتاب می‌خوانیم ولی حتی یک کتاب کوچیک هم در مورد امام زمان نداریم».

۳. علت غیبت

۳-۱. حفظ امام

همه مصاحبه‌شونده‌ها بر این باور بودند که امام زمان (عج) جهت جلوگیری از شهادتشان،

غائب شدند. «به خاطر جلوگیری از شهید شدن امام زمان غائب هستند».

۴. فلسفه ظهور

ادراک دانش‌آموزان از فلسفه ظهور و هدف از ظهور در دو مضمون فرعی ارائه می‌شود.

۴-۱. حکومت عدل جهانی

باور اکثر مصاحبه‌شونده‌ها، بر این است که هدف از ظهور امام، تشکیل یک حکومت جهانی و برقراری عدالت است.

نمونه‌ای از صحبت‌های دانش‌آموزان:

«امام یک حکومت جهانی برقرار می‌کند، فرقه‌ها نیستند و عدالت را می‌آورند».

«امام که بیاد بی‌عدالتی‌ها برطرف می‌شود».

«اسم امام که می‌آید یک گلستان در نظرم می‌آید، شنیدم اوضاع خوب می‌شود».

۴-۲. نابودی ستمکاران و اتمام دنیا

ادراک تعداد کمی از مصاحبه‌شونده‌ها این بود که بعد از ظهور، ستمکاران نابود می‌شوند و دنیا تمام و قیامت بر پا می‌شود.

در همین مورد بیان نمودند:

«وقتی امام بیاید آدم‌های ستمکار را نابود می‌کند، دنیا تمام می‌شود و می‌رویم جای اصل

کاری که آخرت است».

«آدم‌های بد به جهنم و آدم‌های خوب به بهشت می‌روند و دنیا تمام می‌شود»

۵. انتظار ظهور

تجربیات مصاحبه‌شونده‌ها در مورد انتظار ظهور در سه مضمون فرعی پدیدار گردید.

۵-۱. منتظر واقعی نبودن

مصاحبه‌شونده‌ها بیان کردند که منتظر ظهور امام زمان (عج) هستند ولی منتظر حقیقی ظهور

نیستند. مصاحبه‌شونده‌ها اظهار داشتند که:

«اسمی منتظر هستم، دوست دارم امام ظهور کند، ولی آنقدر تلاش نمی‌کنم؛ یعنی مضطر

نشدم، برای ظهور باید مضطر شویم».

«انتظار، قلبی، زبانی و عملی است و من حتی زبانی اش را هم خوب نیستم؛ واقعاً در مورد امام زمان ضعیف هستم».

«خودم و جامعه را منتظر ظهور نمی دانم. در جامعه همه اش به دنبال بحث های سیاسی، مادیات و فوتبال هستیم».

۲-۵. استلزامات ظهور

همه مصاحبه شونده ها بر این باور بودند که برای نزدیک شدن ظهور امام زمان (عج) باید آمادگی اخلاقی و رفتاری ایجاد شود و اکثر آنها لزوم دعا برای ظهور را بیان نمودند. نمونه ای از صحبت های دانش آموزان:

«برای نزدیکی ظهور، باید اول خودمان را درست کنیم. هر وقت توانستیم فکر و رفتار خودمان را درست کنیم، آن وقت می توانیم امام زمان را ملاقات کنیم».

«باید همه مضطر بشویم؛ یعنی واقعاً درمانده بشیم و نبود امام را حس کنیم. امام زمانی ظهور می کند که همه به او احتیاج دارند؛ زمانی که همه چیز به هم خورده است و همه نیازمند به امام باشند».

«شرایط برای ظهور چون آماده نیست ظهور نمی کنند، آمادگی اخلاقی و رفتاری باید برای ظهور ایجاد شود. مهم ترین چیز خواستن است؛ در ایران که ۱۰۰ هزار نفر می روند ۹۰ دقیقه فوتبال در ورزشگاه آزادی می بینند اگر یک لحظه بخواهند ظهور اتفاق می افتد».

۳-۵. دعای ظهور

همه مصاحبه شونده ها از خدا خواسته اند تا ظهور امام زمان (عج) زودتر انجام شود ولی تجربیات آنها بیانگر این است که در مورد دعاهای که از طرف ائمه اطهار (ع) در این زمینه وجود دارد، خیلی کم اطلاع دارند و فقط مصاحبه شونده هایی که از لحاظ مذهبی- علمی در سطح بالایی بودند به صورت موردی، تجربه خواندن دعاهای مربوطه را داشته اند.

«گاهی اوقات برای ظهور دعا می کنم، سر نماز با دعا و موقع مشکلات می گویم امام بیاید تا مشکلات حل شود».

«تا حدی دعا خواندم ولی این جور نبوده که برنامه ام باشد».

«دعا برای فرج کرده ام اما از دعاهای مربوط به امام زمان نمی دانم چون هیچ وقت نخواندمش».

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر به بررسی تجربیات و ادراک دانش آموزان از مهدویت پرداخت. با توجه به

اهمیت ایمان و معرفت به حضرت امام مهدی (عج) و اینکه اگر کسی معرفت به امام نداشته باشد و بمیرد، به مرگ جاهلیت مرده و با توجه به اهمیت عمل به وظایفی که در این مورد بر مؤمنین واجب شده است، به نظر می‌رسد آنچه مهم است این است که بینیم دانش‌آموزان سوم دبیرستان که ۱۱ سال در نظام آموزش و پرورش از آموزش‌های دینی برخوردار شده‌اند، چه ادراک و تجربیاتی درباره مهدویت دارند... در این پژوهش با استفاده از روش پدیدارشناسی بررسی تجارب زیسته دانش‌آموزان از مهدویت پرداخته شد.

ادراک و تجربیات آن‌ها در ۵ مضمون اصلی: باور به امام زمان، معرفت به امام زمان، علت غیبت، فلسفه ظهور و انتظار ظهور ارائه گردید.

یافته‌ها حاکی از آن است که همه دانش‌آموزان وجود امام زمان (عج) را قبول دارند که با پژوهش حسین‌زاده و همکاران (۱۳۸۸) و یزدخواستی و همکاران (۱۳۹۱) همخوان است، ولی در اثبات وجود امام زمان (عج) توانایی لازم را ندارند. در روایات تأکید شده است که معتقدین به امام زمان (عج) باید اعتقادشان قوی باشد تا از این اعتقاد برنگردند. در همین رابطه به روایتی اشاره می‌گردد:

علی بن جعفر از برادرش موسی بن جعفر (ع)، نقل می‌کند که فرمود: هر گاه پنجمین فرزند هفتمین امام ناپدید شود، خدا را، نسبت به دینتان مواظب باشید؛ مبادا کسی شما را از دینتان جدا کند. پسر جان ناچار صاحب‌الامر غیبتی کند که معتقدان به امامت هم از آن برگردند؛ همانا امر غیبت آزمایشی است از جانب خدای عزوجل که خلقش را به وسیله آن بیازماید (کلینی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۳۳).

بر این اساس ضروری است که نظام آموزش و پرورش باور به امام زمان (عج) را براساس آیات و روایات، در درون دانش‌آموزان با روش صحیح نهادینه کند.

همه دانش‌آموزان بر این باور بودند که امام همه‌جا حاضر است و ما نمی‌بینیم، ولی امام ما را می‌بیند و بر همه اعمال ما ناظر است که با پژوهش حسین‌زاده و همکاران (۱۳۸۸) و یزدخواستی و همکاران (۱۳۹۱) همخوان است. علی‌رغم این باور دانش‌آموزان در اقدامات روزمره خود، حضرت را به گونه‌ای ناظر بر اعمال خود نمی‌گیرند که باعث جلوگیری از کارهای خطا شود. مصاحبه‌شونده‌ها اذعان داشتند که باید امام را ناظر بر اعمال بدانیم ولی این‌گونه نیست. این یافته با پژوهش یزدخواستی و همکاران (۱۳۹۱) و حسین‌زاده و همکاران (۱۳۸۸) که اذعان داشتند حضور و نظارت حضرت بر اعمال، جز و باور قلبی ایمان جوانان شده و جوانان آنها را به صورت باوری درونی و قلبی پذیرفته‌اند، از حیطة شناختی همخوان است ولی در حیطة رفتار دینی ناهمخوان است.

با توجه به اینکه پرورش روحیه انتظار، کارکردهای تربیتی فراوان و مهمی برای فرد و جامعه دارد که مانع از انجام ناهنجاری‌های اجتماعی و فردی می‌شود (بیاری و چراغی، ۱۳۸۵، ص ۱۴۰-۱۳۹)، ضروری است نظام تعلیم و تربیت به این امر توجه ویژه‌ای نماید تا باور به نظارت

امام بر اعمال، در رفتار و اعمال دانش‌آموزان متبلور گردد.

همه دانش‌آموزان حتی آنهایی که خود را گناهکار می‌دانستند و ترس از مجازات در هنگام ظهور دارند، ظهور را دوست و آرزوی یاری و شهادت در هنگام قیام امام زمان (عج) را دارند و این بیانگر آن است که دانش‌آموزان عشق به امام زمان (عج) دارند و می‌طلبند که این شور دانش‌آموزان، با ارائه معارف مهدوی، هر چه بیشتر با شعور همراه گردد. این یافته‌ها با پژوهش حسین‌زاده و همکاران (۱۳۸۸) و یزدخواستی و همکاران (۱۳۹۱) مبنی بر اینکه جوانان عاشق امام عصر (عج) هستند، همخوان است.

براساس صحبت‌های خود دانش‌آموزان معرفت آنها به امام زمان کم است و در حد اطلاعات کلی و شناسنامه‌ای است که با یافته‌های پژوهش حسین‌زاده و همکاران (۱۳۸۸) در خصوص مؤلفه شناخت حضرت مهدی (عج) مبنی بر اینکه سطح آگاهی جوانان در یک کشور اسلامی و شیعه‌مذهب، چندان مناسب و مطلوب نیست، همخوان است و با پژوهش یزدخواستی و همکاران (۱۳۹۱) ناهمخوان است. البته دانش‌آموزان مشتاق برخورداری از آموزش‌های تأثیرگذار و جذاب هستند؛ تا بتوانند معرفت لازم به امام را کسب کنند و ارتباط معنوی و علقه عاطفی با امام داشته باشند.

همه دانش‌آموزان ادراک یکسانی نسبت به علت غیبت امام زمان (عج) داشتند و بر این باور بودند که امام زمان (عج)، به عنوان آخرین حجت خدا در عالم جهت حفظ جان خودشان، به امر خداوند در غیبت به سر می‌برند؛ که با پژوهش حسین‌زاده و همکاران (۱۳۸۸) و یزدخواستی و همکاران (۱۳۹۱) همخوان است.

بیشتر مصاحبه‌شونده‌ها، فلسفه ظهور را برپایی حکومت عدل جهانی می‌دانستند و تصورشان از ظهور، زندگی در شرایط خیلی خوب بود؛ که با یافته‌های پژوهش حسین‌زاده و همکاران (۱۳۸۸) و یزدخواستی و همکاران (۱۳۹۱) همخوان است.

انتظار ظهور یکی از مضمون‌های اصلی بود. علم و آگاهی به غیبت امام زمان (عج) و وعده الهی، انتظار محسوب نمی‌شود، بلکه انسان منتظر در تمام دوران زندگی، خود را بی‌نیاز از تلاش برای کسب معرفت و رضایت امام زمان (عج) نمی‌داند.

اکثر دانش‌آموزان خود را منتظر حقیقی برای ظهور نمی‌دانستند و در این زمینه از وضعیت خود و جامعه انتقاد می‌نمودند. دانش‌آموزان ظهور را دوست دارند، ولی آنها بر این باورند که اعمال انسان منتظر ظهور را انجام نمی‌دهند.

توجه نظام آموزش و پرورش به مهدویت در برنامه‌های درسی و اقدامات کافی نیست، چنانکه ادیب و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که اختصاص ۱/۰۸٪ از حجم محتوای کتب بررسی شده به مهدویت، بیانگر بی‌توجهی به این موضوع است و مرزوقی (۱۳۸۷) نیز در پژوهشی به این نتیجه رسید که توجه نظام‌مند و برنامه‌ریزی شده‌ای در حوزه هدف‌گذاری و

تدوین محتوا در خصوص گسترش تفکر مهدویت وجود ندارد؛ اما با وجود این، دانش‌آموزان، حتی در مواردی هم که اطلاعاتی دریافت کرده‌اند، این آگاهی‌ها را در عمل به کار نگرفته‌اند و صرفاً در حد آگاهی بوده است و منجر به معرفت‌افزایی و به دنبال آن، انجام اعمال مربوطه نشده است. این یافته با پژوهش حسین‌زاده و همکاران (۱۳۸۸) مبنی بر اینکه جوانان ۱۵ تا ۲۹ سال در شهر تهران از ایمان و باور قلبی به حضرت مهدی (عج) تا حدودی برخوردار بوده و از این نظر تقریباً در حد متوسط هستند و هنوز به ایمان و باور قلبی مطلوب و عمیق دست نیافته‌اند، همخوان است و با پژوهش یزدخواستی و همکاران (۱۳۹۱) ناهمخوان است.

در مجموع، دانش‌آموزان ظهور را دوست دارند و علت غیبت و فلسفه ظهور را می‌دانند و بر این باورند که نزدیک شدن ظهور مستلزم آمادگی اخلاقی و رفتاری و دعا برای ظهور است که با پژوهش حسین‌زاده و همکاران (۱۳۸۸) و یزدخواستی و همکاران (۱۳۹۱) همخوان است. تجربیات زیسته آنها در این مورد بیانگر بی‌توجهی دانش‌آموزان، در عمل به این موارد است و مانند کسی هستند که این اطلاعات را ندارد که با پژوهش حسین‌زاده و همکاران (۱۳۸۸) همخوان و با پژوهش یزدخواستی و همکاران (۱۳۹۱) ناهمخوان است و با یافته پژوهش سعیدی رضوانی (۱۳۸۶) مبنی بر اینکه بسیاری از تحقیقات، هیچ برتری را در گروه تحصیل‌کرده نسبت به گروه با تحصیلات پایین‌تر یا بی‌سواد در عملکرد دینی و اخلاقی نشان نمی‌دهد و حتی در برخی از موارد، عملکرد پایین‌تری را نشان می‌دهد، همخوان است.

پژوهش‌های متعدد بیانگر ناکارآمدی نظام آموزش و پرورش در تربیت اسلامی دانش‌آموزان است (حسینی، ۱۳۸۰؛ نساجی زواره، ۱۳۸۸؛ رهنمایی، ۱۳۸۱؛ عصاره، ۱۳۸۰؛ سعیدی رضوانی و بیهقی، ۱۳۸۰؛ قلی‌زاده برهانی، ۱۳۸۵؛ تصدیقی و تصدیقی، ۱۳۸۸؛ مهرمحمدی و صمدی، ۱۳۸۲؛ جوانمردی و همکاران، ۱۳۸۸؛ کشاورز، ۱۳۸۷؛ میرزامحمدی و رسولی، ۱۳۸۹؛ سعیدی رضوانی، ۱۳۸۶؛ مرزوقی، ۱۳۸۷ و ...).

از آنجا که معمولاً خانواده‌ها تربیت فرزندان خود را به آموزش و پرورش واگذار نموده‌اند (رهنمایی، ۱۳۸۱، ص ۲۴۵)، وضعیت کنونی خانواده‌های جامعه اسلامی ما گویای این مطلب است که کمتر کوششی در زمینه تربیت فرزندان خود انجام می‌دهند (سالم، ۱۳۹۰، ص ۱۲۸). متأسفانه پرداختن به مشکلات زندگی و تلاش برای رفاه و لذت بیشتر، بسیاری از والدین را از وظایف مهم تربیتی دور کرده است (بیاری و چراغی، ۱۳۸۵، ص ۱۳۷)، رسالت نظام تعلیم و تربیت است که تصمیم‌گیران و برنامه‌ریزان در درجه اول، مهدویت را باور داشته باشند و پس از آن به تبیین مهدویت و ترویج آن اقدام نمایند و لازمه موفقیت نظام تعلیم و تربیت در تبیین و ترویج موضوع مهدویت، بازنگری در حوزه محتوایی و روشی است (صمدی، ۱۳۸۵، ص ۴۷) و از نظر اکثر پژوهشگران، نهاد آموزش و پرورش رسالت بیشتری در این زمینه دارد و باید نقش خود را بهتر ایفاء کند (ادیب و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۱۳۰).

به طور کلی تجربیات زیسته دانش‌آموزان، بیانگر این است که همه آنها به وجود امام زمان (عج) معتقد و علاقه‌مند به ظهور و یاری امام هستند. دانش‌آموزان می‌دانند که امام زمان (عج) همه‌جا حاضر و ناظر بر اعمال است، ولی در انجام کارهای خود امام زمان (عج) را ناظر بر خود در نظر نمی‌گیرند. علاقه‌مند به ظهور و آرزوی شهادت و یاری حضرت را دارند، اما وظایف فرد منتظر ظهور را انجام نمی‌دهند. از اطلاعات مربوط به شناخت ظاهری و کلی برخوردار هستند، ولی معرفت لازم به امام زمان (عج) را ندارند و در عرصه عمل، نسبت به مواردی که آگاهی دارند توجه لازم را نمی‌کنند و از لحاظ رفتاری، ضعیف، ولی علاقه‌مند به کسب معرفت هستند. علت غیبت را همگی به خوبی می‌دانند. اکثر آنها از فلسفه ظهور آگاه هستند و استلزامات ظهور را می‌دانند، اما خود را منتظر حقیقی ظهور نمی‌دانند.

بر این اساس، ادراک دانش‌آموزان در بحث بسیار مهم مهدویت در سطح شایسته نیست و توجه نظام آموزش و پرورش به رسالت و عملکرد خود در این زمینه ضروری است.

پیشنهادهای کاربردی

لازم است تمامی نهادهای جامعه نسبت به جایگاه ولایت شناخت پیدا کرده، در تمام ابعاد و سطوح به وظایف خود عمل کنند و جامعه و همه اقدامات نهادهای اجتماعی بر محور ولایت ائمه (ع) و به خصوص حضرت امام زمان (عج) سازماندهی شده و به آن سمت حرکت کنند. همه دست‌اندرکاران نظام آموزش و پرورش از سیاستگذاران تا معلمان تربیت مهدوی پیدا کنند.

تحولی بنیادین در نظام آموزش و پرورش براساس رویکرد تربیت زمینه‌ساز ظهور پدید آید، به گونه‌ای که این رویکرد به روح حاکم بر نظام آموزش و پرورش تبدیل شود. این مهم از طریق ترغیب نخبگان جهت تدوین نظریه برنامه درسی تربیت زمینه‌ساز ظهور برای نظام آموزش و پرورش براساس آیات و روایات و با استفاده از دستاوردهای رشته مطالعات برنامه درسی قابل تحقق است.

این نظریه برای کسب حمایت هر چه بیشتر عموم مردم از طریق رسانه‌های جمعی معرفی شود تا نظام آموزش و پرورش براساس این نظریه استقرار یابد. در تدوین محتوا و تألیف کتب درسی، همه مؤلفه‌های تربیت اسلامی براساس تربیت مهدوی تدوین گردد. محتوای مربوط به مهدویت به صورت تلفیقی در سایر کتب درسی به خصوص، کتاب‌های مربوط به ادبیات فارسی، علوم اجتماعی، تاریخ، هنر و عربی ارائه گردد و در کتاب‌های مربوط به تربیت اسلامی نیز به خوبی از لحاظ کمی و کیفی به این مهم پرداخته شود.

منابع

- ادیب حاج‌باقری، محسن؛ پرویزی، سرور؛ صلصالی، مهوش (۱۳۸۶). روش‌های تحقیق کیفی تهران: انتشارات بشری.
- ادیب، یوسف؛ فتحی‌آذر، اسکندر؛ ابراهیمی هرستانی، اصغر (۱۳۹۲)، «بررسی تحلیلی - نظری راهکارهای بهبود عملکرد نهادهای تربیتی جمهوری اسلامی ایران در تربیت زمینه‌ساز ظهور»، فصلنامه علمی پژوهشی مشرق موعود، سال هفتم، شماره ۲۶، ص ۱۴۲-۱۱۵.
- _____ (۱۳۹۲)، «بررسی میزان توجه محتوای کتب درسی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران به تربیت زمینه‌ساز ظهور»، مجموعه مقالات نهمین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت، ص ۱۴۴-۱۳۱.
- باقری، خسرو؛ سجادیه، نرگس؛ توسلی، طیبه (۱۳۸۹)، رویکردها و روش‌های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- بحرانی، (۱۴۱۶ق)، البرهان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، تهران: انتشارات بنیاد بعثت.
- بیاری، علی‌اکبر؛ چراغی، اسماعیل (۱۳۸۵)، «نقش خانواده در انتقال محبت حضرت مهدی به فرزندان»، فصلنامه علمی پژوهشی مشرق موعود، سال اول، شماره اول، ص ۱۵۸-۱۳۵.
- تصدیقی، محمدعلی؛ تصدیقی، فروغ (۱۳۸۸)، «آسیب‌شناسی تربیت دینی در نظام آموزشی ایران»، مجموعه مقالات همایش تربیت دینی در جامعه معاصر، جمعی از نویسندگان، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ص ۶۸۷-۶۴۸.
- جوانمردی، جوانمردی و پورشافعی (۱۳۸۸)، «مبانی تربیت دینی از دیدگاه اسلام و دلالت‌های آن در آموزش متوسطه»، مجموعه مقالات همایش تربیت دینی در جامعه معاصر، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ص ۳۱۲-۲۹۱.
- حسینی، افضل‌السادات (۱۳۸۰)، «راهبردهای اساسی و روش‌های کارآمد در برنامه‌های آموزش و پرورش برای نیل به تربیت دینی مناسب دانش‌آموزان»، خلاصه مقاله‌های همایش آسیب‌شناسی تربیت دینی، ص ۵۲-۵۳.
- حسین زاده، اکرم؛ تقی‌زاده، محمداحسان؛ همایی، رضا (۱۳۸۸)، «بررسی باور به مهدویت در میان جوانان پانزده تا ۲۹ ساله تهرانی»، فصلنامه علمی پژوهشی مشرق موعود، سال دوم، شماره دوازده، ص ۱۵۰-۱۲۹.
- رهنمایی، سید احمد (۱۳۸۱)، «تربیت دینی، اصلاحات، مشکلات و آسیب‌ها»، مجله علمی تخصصی تربیت اسلامی، ص ۲۵۴-۲۲۷.

- سالم، مریم (۱۳۹۰)، «مروری بر راهبردهای تربیتی معرفت امام زمان (عج) با تأکید بر خانواده»، نامه پژوهش فرهنگی، سال یازدهم، شماره دهم، ص ۱۴۵-۱۱۳.
- سعیدی رضوانی، محمود (۱۳۸۶)، بررسی وضع موجود تربیت دینی و اخلاقی دانش آموزان و ارزیابی آن براساس مؤلفه‌های اصلی آموزش و پرورش، تهران: دفتر سند ملی آموزش و پرورش.
- سعیدی رضوانی، محمود؛ بیهقی، تقی (۱۳۸۰)، «تأملی در باب تناسب نظام آموزش و پرورش رسمی با تربیت دینی»، مجله علمی تخصصی تربیت اسلامی ویژه آسیب‌شناسی تربیت دینی، شماره ۶، ص ۱۳۳-۱۰۵.
- شیروودی، مرتضی (۱۳۸۵)، «مسیحیت انجیلی، تشیع ایرانی و آینده بشریت»، فصلنامه علمی - پژوهشی مشرق موعود، سال اول، شماره اول، ص ۱۲۸-۹۹.
- صمدی، معصومه (۱۳۸۵)، «مهدویت، رسالت نظام تعلیم و تربیت در شکل‌دهی جامعه مهدوی»، مجله علوم انسانی، سال پانزدهم، شماره ۶۶، ص ۷۳-۴۷.
- طیب، سید عبدالحسین (۱۳۷۸)، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، تهران: انتشارات اسلام.
- فرمانیان، مهدی (۱۳۸۶)، «جایگاه آموزه منجی موعود در اندیشه اهل سنت»، مجله علمی پژوهش مشرق موعود، سال اول، شماره دوم.
- فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۱۵ق)، تفسیر الصافی، چاپ دوم، تهران: انتشارات الصدر.
- قمی، عباس (۱۳۷۸)، کلیات مفاتیح الجنان، چاپ پنجم، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- قندوزی حنفی، سلیمان بن ابراهیم (۱۲۹۴)، ینابیع المودّه، قم: انتشارات بصیرتی.
- قلی‌زاده برهانی، لیلا (۱۳۸۵)، «بررسی تأثیر خانواده و کتاب‌های درس دینی به هویت دینی دانش آموزان دختر دوره پیش‌دانشگاهی تبریز»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.
- کشاوری، سوسن (۱۳۸۷)، «شاخص‌ها و آسیب‌های تربیت دینی»، دوفصلنامه علمی تخصصی تربیت اسلامی، سال ۳، شماره ۶، ص ۱۲۲-۹۳.
- کلینی، محمد (بی‌تا)، اصول کافی، ترجمه سیدجواد مصطفوی، چاپ اول، تهران: کتابفروشی علمیه اسلامی.
- مرزوقی، رحمت‌الله (۱۳۸۷)، «سیمای مهدویت در برنامه‌های آموزشی مدارس: رویکردی به فلسفه تربیتی انتظار»، دوفصلنامه علمی - تخصصی تربیت اسلامی، سال ۳، شماره ۷، ص ۱۳۷-۱۲۷.
- عصاره، علیرضا (۱۳۸۰)، «کارکردهای فعلی آموزش و پرورش در تربیت دینی»، خلاصه مقاله‌های همایش آسیب‌شناسی تربیت دینی، ص ۱۲۵.

- مهرمحمدی، محمود (۱۳۸۷)، روش‌شناسی مطالعات برنامه درسی، تهران: سمت.
- _____ (۱۳۹۰)، برنامه درسی: نظرگاه‌ها، رویکردها و چشم‌اندازها، مشهد: به نشر.
- نوری، علی، مهرمحمدی، محمود (۱۳۹۰)، «الگوی برای بهره‌گیری از روش نظریه‌برخاسته از داده‌ها در پژوهش‌های تربیتی»، فصلنامه مطالعات برنامه درسی، شماره ۲۳، سال ششم، ص ۳۵-۸.
- مهرمحمدی، محمود، صمدی، پروین (۱۳۸۲)، «بازنگری در الگوی آموزش دینی جوانان و نوجوانان در دوره تحصیلی متوسطه»، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، سال دوم، شماره ۳، ص ۳۴-۹.
- میرزاحمدی، محمدحسن؛ رسولی، رحیمه (۱۳۸۹)، «تربیت ولایی؛ اصلی‌ترین مبنای تربیت دینی»، مجله اسلام و پژوهش‌های تربیتی، سال دوم، شماره اول، ص ۴۵-۷.
- نجارزادگان، فتح‌الله (۱۳۸۹)، بررسی تطبیقی تفسیر آیات مهدویت و شخصیت‌شناسی امام مهدی (عج) در دیدگاه فریقین، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- نجارزادگان، فتح‌الله؛ شاهمرادی، محمد مهدی (۱۳۹۰)، «تحلیل مقام امامت حضرت مهدی (عج)»، فصلنامه علمی پژوهشی مشرق موعود، سال پنجم، شماره ۱۷، ص ۵-۲۸.
- نساجی زواره، اسماعیل (۱۳۸۸)، «آسیب‌شناسی تربیت دینی»، مجموعه مقالات همایش تربیت دینی در جامعه معاصر، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ص ۴۹۷-۵۲۱.
- یزدخواستی، علی؛ امینی، محمد؛ رحیمی، حمید؛ غفاری ایرانی، ساره (۱۳۹۱)، «بررسی وضعیت فرهنگ مهدویت بین دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر قم»، فصلنامه علمی پژوهشی مشرق موعود، سال ششم، شماره ۲۳، ص ۱۴۹-۱۳۳.
- یزدانی، جواد (۱۳۸۰)، «برنامه‌ریزی تربیت دینی»، خلاصه مقاله‌های همایش آسیب‌شناسی تربیت دینی.
- یوسفی، علی؛ تابعی، ملیحه (۱۳۹۱)، «پدیدارشناسی تجربی راهی برای فهم تجربه‌های دینی»، مجله جامعه‌شناسی تاریخی، دوره ۴، شماره ۱، ص ۷۱-۹۳.

Asanuma, Shigeru (1986), Phenomenological Curriculum Theories in North America, Intersubjectivity, Reflectionality, Dewey, Doctoral Dissertation, The University of Wisconsin – Madison.

Bresler, Liora (2010), *Ethnography*, Phenomenology and Action Research In Music Education.

Devenish, Stuart (2002), An Applied Method for Undertaking Phenomenological

- Explication of Interview Transcripts, *Indo-Pacific Journal of Phenomenology*, Vol. 2, Edition 1.
- Groenewald, T (2004), A Phenomenological Research Design Illustrated, *International Journal of Qualitative Methods* 3 (1): 1-26.
- LIMBA, M (2013), Ground-setting Education, Strategy and Approaches as Reflected in madressa, net Weekend Madrasah Syllabus, A Paper Presented To The Conference Secretariat 9th International Conference on the Doctrine of Mahdism Tehran Islamic Republic of Iran June 23-24, 2013.
- Løndal, K(2010), The After-School Programme: An Arena for Interaction with Others through Body Movements in Play. *Phenomenology & Practice*, Volume 4, No. 1: 30-51.
- LP Wong, MSc. (2008), DATA ANALYSIS IN QUALITATIVE RESEARCH: A BRIEF GUIDE TO USING NVIVO, *Malaysian Family Physician*, Volume 3, No. 1.
- Van Manen, M (1982), *Phenomenological pedagogy*, *Curriculum Inquiry*, 12(3):283-99.
- Van Mannen, M. (2006), *Researching Lived Experience, Human Science for an Action Sensitive Pedagogy*, Ontario, Canada: The University of Western Ontario.
- Vander Mescht, Hennie (2004), Phenomenology in Education: A Case Study in Educational Leadership, *Indo-Pacific Journal of Phenomenology*, Volume 4, Edition 1: 1-16.